

نقد اجتماعی در شعر سهراب سپهری و تطبیق آن با علوم پایه

جواد قربانی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۵

علیرضا ایرانبخش**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۳

امیرحسین ماحوزی***

چکیده

این مقاله موارد نقد دیدگاه مردم و اجتماع را در «هشت کتاب» سپهری یافته است و ضمن این کار نحوه بکارگیری شاعر از علوم پایه (ریاضیات، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، شیمی و فیزیک) به منظور تأثیرگذارتر کردن کلام خود را نیز بهره گرفته است. از این رو با مطالعه و بررسی «هشت کتاب»، موارد مربوط به نقد و انتقاد از بینش و رفتار مردم و رخدادهای اجتماعی، استخراج شده و نفوذ و نحوه تأثیر واژه‌ها و مفاهیم علوم پایه در این عرصه نیز بررسی شده است. از یافته‌های این مقاله این گونه برمی‌آید که نقدهای سپهری گاهی جنبه علمی دارد و در بیان آن از واژه‌ها و مفاهیم و اصطلاحات علمی نیز برای نفوذ بیش‌تر کلام خود بهره برده است، و دیدگاه علمی خود را با این علوم همراه کرده است و گاهی نیز این دیدگاه جنبه عرفانی یا احساسی دارد و در نهایت این دیدگاه‌ها و نوع بینش برای جامعه، حامل پیامی آموزنده است.

کلیدواژگان: نقد، اجتماع، سهراب سپهری، علوم پایه.

مقدمه

مردم و افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، متناسب با آن جامعه و تحت تأثیر عواملی مانند فرهنگ، عرف و مانند آن دارای دیدگاه‌هایی هستند. اما این دیدگاه‌ها ممکن است تحت تأثیر عوامل بالا و بستر زیستی و فرهنگی یکسان، مشابه باشد ولی الزاماً همیشه اینطور نیست. چراکه مهم‌ترین عامل اندیشه و روحیات درونی خود مشخص است که از یک شخص تا شخص دیگر بسیار متفاوت بوده و در نتیجه دیدگاه‌های بسیار متنوعی پدید خواهد آمد. پژوهشی مبنی بر نقد مردم و اجتماع از دیدگاه سهراب سپهری به کمک علوم پایه تا کنون انجام نشده است. لیکن با توجه به استفاده این شاعر از واژه‌ها و مفاهیم علوم پایه در شعر خود و داشتن زاویه دید منحصر به فرد و خاص، می‌توان با استفاده از این علوم، دیدگاه وی را بررسی نمود و با توجه به اینکه گاهی واژه‌ها و مفاهیم بکاررفته در شعر، باعث پیچیدگی یا دشواری در فهم شده‌اند، ضروری است این بخش‌ها به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند تا ضمن رمزگشایی از شعرهای موردنظر دیدگاه واقعی شاعر نیز معرفی شود و ژرفای آن مشخص شود.

از این‌رو با توضیحات بالا و به منظور پرداختن به دیدگاه انتقادی سهراب سپهری نسبت به مردم و جامعه به ترتیب به واژه‌ها و مفاهیم زیست‌شناسی، ریاضیات و فیزیک پرداخته خواهد شد.

واژه‌ها و مفاهیم زیست‌شناسی

۱- باغستان

۲- بیشه

۳- آهو

۴- جنگل

۵- درندگی

«در باغستان من، شاخه بارور خم می‌شود

بی‌نیازی دست‌ها پاسخ می‌دهد

در بیشه تو، آهو سر می‌کشد، به صدایی می‌رمد»

(هشت کتاب: ۱۶۳)

در جنگل من، از درندگی نام و نشان نیست

(همان: ۱۶۴)

در وهله اول، شاعر قصد دارد تفاوت اندیشه و دنیای خود را با دیگران و مردم که با تخفیف، تو، نامیده شده است بیان کند و مشخصاً وجود تفاوت بین خود و دیگران را متذکر شود و در مرحله بعد برای بیان این تفاوت از وضعیت‌های مختلف زیستی در اکوسیستم‌های خاص کمک می‌گیرد، و برتری خود را بر دیگران با کمک گرفتن از این فضاها اعلام نماید، و دنیا و اندیشه و درونیات خود را امن معرفی می‌کند و بخش اعظم این امنیت را در بی‌نیازی خود - بی‌نیازی درونی و فقر خودخواسته نسبت به دنیا - می‌بیند که در دیگران، چون این بی‌نیازی وجود ندارد و جای خود را به نیازمندی داده است از این رو مکانی که خود را منتسب به آن می‌داند باغستانی است پر از میوه؛ یعنی نتیجه و محصول. و دیگران را منتسب به بیشه‌ای می‌داند فاقد امنیت و آرامش. حتی وقتی می‌خواهد مکان خود را از باغستان به جنگل افزایش دهد نیز تأکید می‌کند که در آن جنگل امنیت حاکم است.

۶- نی‌زار

«آتش را بشویم، نی‌زار همهمه را خاکستر کنیم»

(همان: ۱۷۳)

حال پس از بیان ناامنی، دیگران را به از بین بردن آن دعوت می‌کند. نی‌زار اکوسیستمی است که ظاهری آرام دارد ولی در عین حال هر لحظه خطری در میان آن می‌تواند در کمین باشد، و شاهد از میان برداشتن بستر خطر را پیشنهاد می‌کند تا دنیای دیگران را به دنیای خود نزدیک‌تر سازد.

۷- نارس

۸- رسیدگی

«در میوه چینی بی‌گاه،

رؤیا را نارس چیدند

و تردید از رسیدگی پوسید»

(همان: ۱۷۴)

رسیدن و نارس بودن مراحل از تکامل زیستی میوه است. شاعر با انتقاد از بینش و رفتار اجتماع مردم را به داشتن تردید بسیار زیاد از یک سو و نداشتن رؤیا و یا نپرداختن به آن از سوی دیگر متهم می‌کند.

۹- میوه

۱۰- رسیدن

«در پی چه بودی، آن هنگام، در راهی از من تا گوشه‌گیر
ساکت آیین، در گذری از میوه تا اضطراب رسیدن»

(همان: ۱۷۶)

این بخش از شعر تکامل میوه و رسیدن را بازگو می‌کند و حامل انتقادی است مبنی بر حاضرنبودن مردم در هنگام تکامل و رسیدن. در ضمن، تکامل را با اضطراب از بین رفتن همراه نموده است چراکه در پی رسیدن میوه، چیده شدن اتفاق می‌افتد که نوعی از بین رفتن محسوب می‌شود. شاعر باز هم در این بخش به طور ناگفته، خود را در حین تکامل و رسیدن حاضر می‌داند و دیگران را غایب و دور از رسیدن معرفی می‌کند و اصرار وی در تفاوت زیاد خود با دیگران را تاکید می‌کند.

۱۱- خزه

«به صخره من ریز، مرا در خود بسای،

که پوشیده از خزه نام‌ام»

(همان: ۱۹۵)

خزه گیاهی است که از فراوانی بسیاری برخوردار است به طوری که در محل‌های مرطوب یا جاهایی که آب به طور مداوم می‌ریزد سبزی پدید آمده، همان خزه است. شاعر نام را به این گیاه تشبیه نموده است.

این بخش از شعر، بخش مهمی است و به نوعی نقطه عطف محسوب می‌شود چراکه تا پیش از این شاعر در تمام موارد به نقد و انتقاد دیگران، و مورد سؤال قرار دادن نوع بینش و رفتار دیگران پرداخته است، ولی در این بخش می‌اندیشد که شاید خود دچار

غرور و خودبزرگ‌بینی شده در نتیجه به انتقاد از خود می‌پردازد. چراکه خزه، گاهی چنان محل را می‌پوشاند که فقط خود دیده می‌شود، و هیچ اثری از محل واقعی مشاهده نمی‌شود حال نام و عنوان و شهرت نیز گاهی چنان آدمی را در بر گرفته و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که از خود واقعی، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند.

نکته قابل توجه این است که شاعر همیشه دیگران را در مقایسه با خود مورد انتقاد قرار می‌داد، حال دیگران را برای اصلاح خود دعوت کرده است.

۱۲- خنج

«و نخواهیم مگس از سر انگشت طبیعت بپرد
و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون
و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت
و اگر خنج نبود، لطمه می‌خورد به قانون درخت
و اگر مرگ نبود، دست ما در پی چیزی می‌گشت»

(همان: ۲۹۴)

پس از انتقاد شاعر از خود در بخش بالا و رسیدن به نقطه عطف از نظر دیدگاه، در این بخش شاعر خود را همراه با مردم و دیگران - نه جدا و متفاوت - انتقادات و توصیه‌های خود را خطاب به خود و دیگران بیان می‌کند و در تمام موارد از فعل‌های جمع حاضر استفاده می‌کند.

واژه‌ها و مفاهیم ریاضیات

۱- خمیدگی

«رفتم، غرورم را بر ستیغ عقاب آشیان شکستم
و اینک، در خمیدگی فروتنی، به پای تو مانده‌ام»

(همان: ۱۵۹)

در ریاضیات انواع مختلفی از خط داریم مانند خط صاف و خط خمیده. در این بخش، غرور به شکل پوشیده و بیان نشده و با تمثیل ماهرانه‌ای که ایهامی نیز در خود دارد به خط صاف تشبیه شده است. چنانکه ستیغ کوه در ابتدا خط صاف بلند رو به بالا در ذهن

متبادر می‌کند، بلافاصله بعد از آن صحبت از خمیدگی فروتنی به میان آمده و خط خمیده برای بیان تواضع و فروتنی استفاده شده است و در واقع خط صاف و بدون انعطاف غرور به خط خمیده و منحنی‌وار فروتنی بدل شده است.

خمیدگی در قامت انسان اگر حاصل پیری نباشد، تعظیم را نیز به یاد می‌آورد. در این بخش شاعر از شکستن غرور خود صحبت می‌کند ولی به نظر می‌رسد حتی وقتی که از فروتنی خود نسبت به دیگران صحبت می‌کند دچار نوعی غرور و خودبزرگ‌بینی است و هم‌چنان خود را از دیگران متفاوت و برتر می‌داند.

۲- خط مماس

۳- محیط

«بینش همشهریان، افسوس،

بر محیط رونق نارنج‌ها خط مماسی بود»

(همان)

خط مماس خطی است که با چیزی تماس؛ مثلاً اگر دایره‌ای فرض کنیم که خطی از بیرون به کناره آن چسبیده باشد اصطلاحاً آن را خط مماس می‌گویند. شاعر امتداد نگاه مردم را به خطی تشبیه کرده که این خط با محیط رونق نارنج مماس شده است که البته افسوس می‌خورد که مردم چرا فراتر از آن را نمی‌بینند و نگاه‌شان محدود است؛ در اینجا این پرسش پیش می‌آید که از دید شاعر، مردم باید فراتر از یک نارنج چه چیزی را ببینند که ادامه شعر نگاه وی را معرفی می‌کند.

«امتحان کردم اناری را

انبساط‌اش از کنار این سبد سر رفت»

از این بخش اینطور برمی‌آید که امتداد نگاه شاعر، خط مماس به میوه دایره نیست بلکه وسیع‌تر از آن است. به طوری که یک انار می‌تواند در سطح مولکولی خود منبسط و وسیع‌تر شده و از یک سبد سرریز شود و این، بهترین روش است برای اینکه مرز و محدوده و وسعت دید او بسیار وسیع‌تر است.

۴- بی‌نهایت

«میوه‌های بی‌نهایت را

کجا می‌شد میان این سبد جا داد؟

(همان)

و حرف نهایی خود را نسبت به این موضوع اینجا بیان نموده است که این میوه‌ها تا بی‌نهایت وسعت دارند و در واقع به این نکته اشاره دارد که او این بی‌نهایت را می‌بیند و درک می‌کند.

پرفسور حسابی نظریه‌ای دارد با عنوان «نظریه ذره‌ای»، بیانگر آن است که هر جسمی از بی‌نهایت ذره تشکیل شده است. خود جسم بخشی از ذرات است که متراکم هستند و به قول سپهری رونق نارنج است یعنی ذرات در آنجا رونق داشته و جمع شده‌اند و باقی ذرات تشکیل دهنده جسم تا بی‌نهایت پراکنده‌اند. با در نظر گرفتن این نظریه سر رفتن یک انار از کنار یک سبد قابل درک می‌شود و میوه‌های بی‌نهایت مفهوم پیدا می‌کنند.

واژه‌ها و مفاهیم فیزیکی

۱- انعکاس

و من انعکاسی بودم

(همان: ۱۲۸)

انعکاس مفهومی فیزیکی است که بیش‌تر در مورد نور و قوانین حاکم بر آن کاربرد دارد. در این بخش شاعر برای گفتن این نکته که «من» واقعی نیست و «من» مجازی است از واژه انعکاس استفاده کرده است. انگار وجود شاعر نور است و پس از برخورد به یک سطح، انعکاس یافته و وجود انعکاسی او موجود دیگری است.

۲- نوسان

انعکاسی نوسان داشت

(همان: ۱۲۹)

شاعر در این بخش که بخش پایانی شعر «بی‌پاسخ» است انعکاس (وجود مجازی) و نوسان (رفت و برگشت با فراز و نشیب) را کنار هم قرار داده است، و از سرگردانی خود آن هم نه خود واقعی که خود مجازی حرف می‌زند. گویی با تمام نقد و انتقادی که به

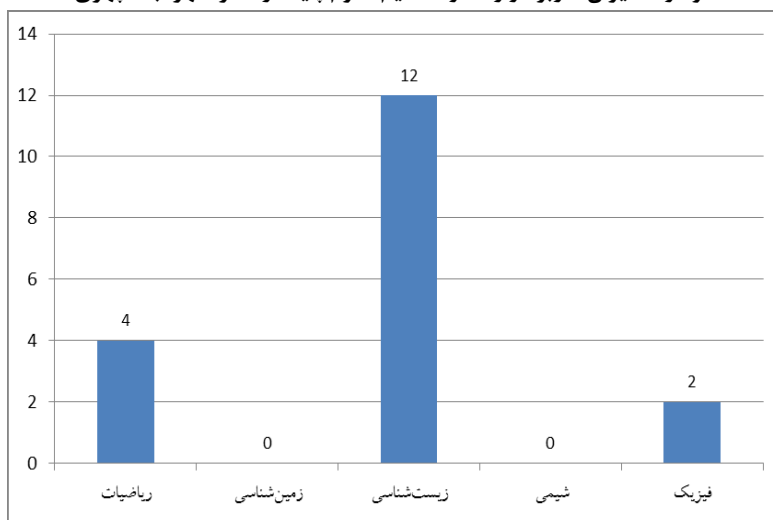
دیگران داشته و خود را دقیق تر معرفی نموده است در پایان در خود نیز دقیق شده و خود را نیز سرگردان دیده است.

اکنون برای درک بهتر و روشن تر شدن موضوع واژه‌ها و مفاهیم انتقادی علوم پایه که توسط سهراب سپهری استفاده شده‌اند به صورت جدول و نمودار در زیر می‌آید.

جدول ۱. تعداد واژه‌ها و مفاهیم انتقادی علوم پایه در شعر سهراب سپهری

واژه‌ها و مفاهیم	ریاضیات	زمین‌شناسی	زیست‌شناسی	شیمی	فیزیک	جمع
تعداد واژه‌ها	۴	۰	۱۲	۰	۲	۱۸

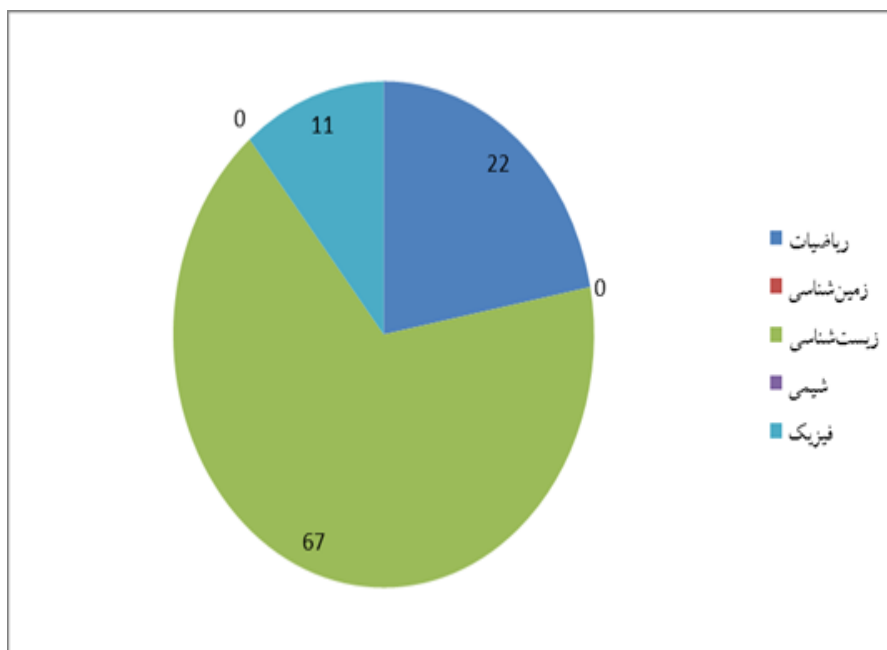
نمودار ۱. میزان کاربرد واژه‌ها و مفاهیم علوم پایه در شعر سهراب سپهری



جدول ۲. میزان درصد استفاده از واژه‌ها و مفاهیم علوم پایه در شعر سهراب سپهری

واژه‌ها و مفاهیم	ریاضیات	زمین‌شناسی	زیست‌شناسی	شیمی	فیزیک	جمع
درصد استفاده	٪۲۲	۰	٪۶۷	۰	٪۱۱	٪۱۰۰

نمودار ۲. درصد استفاده از واژه‌ها و مفاهیم علوم پایه در شعر سهراب سپهری



نتیجه بحث

سهراب سپهری شاعر معاصر ایرانی با توجه به پیشینه تحصیلی خود - که در دبیرستان رشته تجربی یا علوم طبیعی و در دانشگاه رشته نقاشی خواند - در شعرهای خود از واژه‌ها و مفاهیم علوم پایه نیز استفاده کرده است. بعضی از این واژه‌ها و مفاهیم با توجه به نحوه استفاده بار انتقادی داشته و شاعر از آنها برای نقد و انتقاد مردم استفاده نموده است که در بیش‌تر این موارد ورود و نفوذ این واژه‌ها و مفاهیم به درک بیش‌تر شعر و پیام‌رسانی شاعر کمک کرده است. سهراب سپهری با بهره‌بردن از این واژه‌ها و مفاهیم بیش‌تر به انتقاد از دیگران پرداخته، و بینش و رفتار و دیدگاه آنان را مورد نقد و سرزنش قرار داده است و گاهی در این میان خود را در طرف دیگر قرار داده، و پس از مقایسه، برتری و درستی خود را بیان کرده است.

کتابنامه

- امین، ابوالقاسم. ۱۳۸۴ش، *مبانی زیست‌شناسی*، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر.
- جواهری، الف. ۱۳۷۸ش، *فرمول‌ها و تعاریف فیزیک و مکانیک*، چاپ اول، نشر تهران.
- زرگری، علی. ۱۳۷۵ش، *گیاهان دارویی*، جلد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵، انتشارات دانشگاه تهران.
- سپهری، سهراب. ۱۳۷۸ش، *هشت کتاب*، چاپ بیست و دوم، انتشارات طهوری.
- کمالی، بابک. ۱۳۸۰ش، *فرمول‌ها و تعاریف ریاضی (۱) و هندسه (۱)*، چاپ اول، نشر تهران.